[صد و پنجاه و پنج]

> در اصل توسط **(mahdi)** نوشته شده است
> [illegible]:
> [illegible]:
>
> **تحدی به جمیع شئون قرآن کریم است** [illegible]
> - [illegible]

با تشکر وافر از اینکه بحث را پی گرفتید، و مطالب خوب افاده فرمودید، بنده هم در حد ذهن ناتوان خودم برای پیشرفت بیشتر بحث، کلماتی عرض میکنم.

فرمودید:
«اگر بگوییم که <u>تحدی به جمیع شئون قرآن کریم</u> است لازم می آید که بعضی شئون آن -از جمله همین جنبه های تدوینی تکوینی بودن آن - قابل اثبات و تفهیم برای افراد عادی جامعه نباشد»

فرق بسیار است بین اینکه بگوییم تحدی به جمیع شئون قرآن کریم است و اینکه بگوییم تحدی به هویتی است که دارای جمیع شئون ذاتیه خودش است، و مقصود بنده دومی است، و اگر عبارتی موجب ایهام اول شده است، اشتباه از بنده بوده است.

فرمودید:

«آیه شریفه به چیزی تحدی می کند که قابلیت نشان دادن و تبیین کردن داشته باشد . این قرآن که در مقابل خصم به آن تحدی شده است چیزی <u>جز همین الفاظ</u> نبوده است.»

شما خودتان شک ندارید از اینکه میگویید: **«جز همین الفاظ نبوده»** مقصودتان نفس اصوات بدون معانی و معارف آنها نیست، و در فرمایش شما اصلا روی نکته‌ی لابهای بودن تحدی، تاکید نشده است، یعنی اگر این عبارت بنده تاکید نشود بحث سر نمی‌رسد:

«تحدی، یک رمز اصلی و **لایه مرکزی** دارد، و آن اصل است، تحدی به **هویت شخصیتی** قرآن کریم است، اما از آنجا که هویت شخصیتی، **شئون** بسیار زیادی **دارد**، این تحدی اصلی و **مرکزی**، خود را در **لایه‌های** دیگر هم نشان می‌دهد.»

> در اصل توسط **hosyn** نوشته شده است
> [illegible]

فرمودید:
«آنچه در زمان نزول آیات مورد توجه بوده است همین قرآنی بوده است که در قالب لفظ

حضرت قرائت می فرمودند پس عرفا تحدی به همین قرآن است از این رو همین قرآن ملفوظ باید فی نفسه دارای جهات اعجاز باشد.»

در این جهت با هم شریک هستیم که همین قرآن ملفوظ باید دارای جهات اعجاز باشد، و اتفاقا اصل مقصود من اثبات اعجاز برای همین قرآن ملفوظ است، و سابق عرض کردم:

> در اصل توسط **hosyn** نوشته شده است
> [illegible]
> [illegible]

اما ابتدا باید ببینیم «ملفوظ» یعنی چه؟ آیا اگر فرض بگیریم پیامبر خدا ص سوره مبارکه کوثر را می‌نوشتند و اصلا قرائت نمی‌کردند، آنچه شما می‌گویید محقق نمی‌شد؟ به گفته شما حتما باید قرائت می‌فرمودند تا بتوان تحدی کرد؟ الفاظ، طبایع دارند که آنها نقش اصلی در هویت بخشیدن به قرآن کریم دارند، و لذا ابتدا بحث را بر سر هویات شخصیتی پسین بردم تا ثمراتش در ادامه نمودار شود.
ما با تحریک لسان، فردی از کاف مثلا تولید می‌کنیم، اما اصلا قدرت نداریم تا نفس طبیعت حرف کاف را تولید و تلفظ کنیم، و طبیعت کاف است که وجود لفظی صوتی دارد، و وجود کتبی منقوش دارد، و وجود ذهنی متصور دارد، و وجود.... اما همه این وجودها متفرع بر این است که عقل، طبیعت کاف را درک کرده است، طبیعت را عقل دارد و سپس فردی از آن را ایجاد کند، به انواع وجودات لفظی و کتبی و...

فرمودید:
«قضیه « ولو کان لبان » را بسیاری از جوانان امروزی قبول ندارند چون که در ذهنشان احتمال مخفی کردن و محو کردن پررنگ است خصوصا با لحاظ بستر تحدی و محیط و مناطق اسلامی که قریب به 1400 سال است تحت سلطه ی مسلمانان است .»

بخشی از مطالب این بخش را نوشتم و اخیرا افتاد، ان شاء الله عرض می‌کنم.

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 14:26:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 14:27:31 توسط ... .